

عوامل مؤثر در کاهش یا افزایش امنیت اجتماعی در شهرها

یعقوب اسماعیل زاده،^۱ حسن اسماعیل زاده^۲

چکیده

بدون تردید یکی از عوامل پایداری جوامع، توجه به امنیت اجتماعی است. بدون ثبات و امنیت، هیچ جامعه‌ای امکان رشد و تکامل را نخواهد یافت. بدون آن، دستاوردهای مثبت، جای خود را به پیامدهای منفی می‌دهند و ناگواری‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی فراوانی پدید می‌آید. به اعتقاد برخی جامعه‌شناسان، میزان ناامنی با درجه گسترش شهر رابطه مستقیم دارد؛ یعنی به موازات افزایش جمعیت، میزان جرائم نیز بالا می‌رود و افزایش جرائم در شهر، امنیت فردی و اجتماعی را کاهش می‌دهد. به نظر این جامعه‌شناسان، شهرها به دلیل گستردگی، بالا بودن میزان جمعیت، گسترش حاشیه‌نشینی، فراوانی جمعیت بیکار، انبوهی مهاجران، بیگانگی اجتماعی و برخی دلایل دیگر - که در روستا یا شهرهای کوچک وجود ندارد - شرایط مناسبی را برای کسانی که قصد ناامن کردن جامعه را دارند، به وجود می‌آورند.

در این تحقیق سعی بر این است که زمینه‌های جرم‌خیزی و ناامنی در شهرها مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و عمده‌ترین راهکارهای اجرایی در خصوص افزایش سطح امنیت اجتماعی ارائه شود. روش تحقیق برای انجام این کار، توصیفی-تحلیلی-کاربردی است؛ بدین‌بین که ابتدا مفاهیم مرتبط با امنیت و جرم مورد مطالعه قرار گرفته، سپس زمینه‌های وقوع جرم‌خیزی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، سیاسی و نظایر این‌ها تحلیل شده و در نهایت بر اساس روش کاربردی، به تدوین راهکارهای لازم در این خصوص اقدام شده است.

۱. دانشجوی مهندسی شهرسازی دانشگاه ارومیه.

۲. دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی.

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام و ذکر تحقیقات کاربردی پلیس به سگری ناجا مجاز می باشد

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که برای افزایش امنیت در شهرها در کنار بهره‌گیری از انگاره‌های پلیسی، باید از راهکارهای عملیاتی در ابعاد محیطی - کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سایر جنبه‌ها استفاده کرد.

واژگان کلیدی: امنیت اجتماعی، شهر، پلیس، طراحی شهری، پیشگیری از جرم.

مقدمه

رشد شهرها در کشورهای در حال توسعه روندی طبیعی و بهنجار نداشته است، به همین دلیل نیز گذشته از آن‌که به تهی شدن روستاها و وارد آمدن ضربه بر پیکر تولید کشاورزی منجر شده و بر خیل جمعیت مصرف‌کننده افزوده است، هویت و ساختار شهری کشورهای در حال توسعه را نیز مختل کرده است. اختلال ساختار شهری در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، به گسترش فیزیکی شهرها و تراکم فوق‌العاده جمعیت انجامیده است که نتیجه آن به هم خوردن تعادل بین امکانات موجود با نیازهای جمعیت و اختلال در برنامه‌ریزی‌های شهری است. بُعد اجتماعی این اختلال به‌شکل تغییر سریع ترکیب جمعیت شهری و به هم خوردن نسبت جمعیت بومی و غیربومی و نیز ایجاد مراکز حاشیه‌ای خود را نشان می‌دهد.

تغییر ترکیب جمعیت شهری و قرار گرفتن خرده‌فرهنگ‌های متفاوت و متعارض در کنار هم روابط همسایگی و محله‌ای را به کلی دگرگون و هویت اجتماعی شهر را دستخوش تغییرات اساسی کرده است. فضای متراکم از انبوه جمعیت ناآشنا و غریبه، محیطی مساعد برای تخطی از قواعد و هنجارهای زندگی شهری را فراهم کرده و زمینه انواع بزهکاری‌ها و جرم و جنایت را به وجود آورده است. رشد آمار سرقت، قتل، اعمال منافی عفت و نیز اختلاس و ارتشا در شهرهای بزرگ در مقایسه با سایر مناطق گواهی بر این مدعا است.

در مجموع می‌توان گفت تضعیف و تخریب هویت اجتماعی، نظم و امنیت اجتماعی را مختل و گذشته از آن‌که احساس امنیت را از شهروندان به جهت ذهنی سلب کرده، محیط عینی زندگی آن‌ها را نیز به شدت ناامن می‌کند. در چنین شرایطی

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام و ذکر تحقیقات کاربردی پلیس به نگینری ناجا مجاز می باشد

پلیس نیز که به جهت رسمی در ساختارهای مدرن شهری مسئول انتظام‌بخشی و امنیت شهری است، کارآیی لازم را ندارد؛ چراکه ناامنی به صورت نوعی خرده‌فرهنگ در اقصی نقاط شهر ریشه دوانده و دستگاه‌های انتظامی و پلیس، فاقد نیرو و امکانات لازم برای پوشش کل جامعه هستند. بر این اساس، مهم‌ترین سؤالاتی که تحقیق حاضر با آن روبه‌رو است، عبارتند از:

۱. زمینه‌های اصلی رشد ناامنی در شهرها چیست؟
۲. از طریق کدام راهکارها می‌توان در جهت افزایش امنیت اجتماعی در شهرها اقدام کرد؟

امنیت اجتماعی و عوامل جرم‌خیز

۱. امنیت^۱

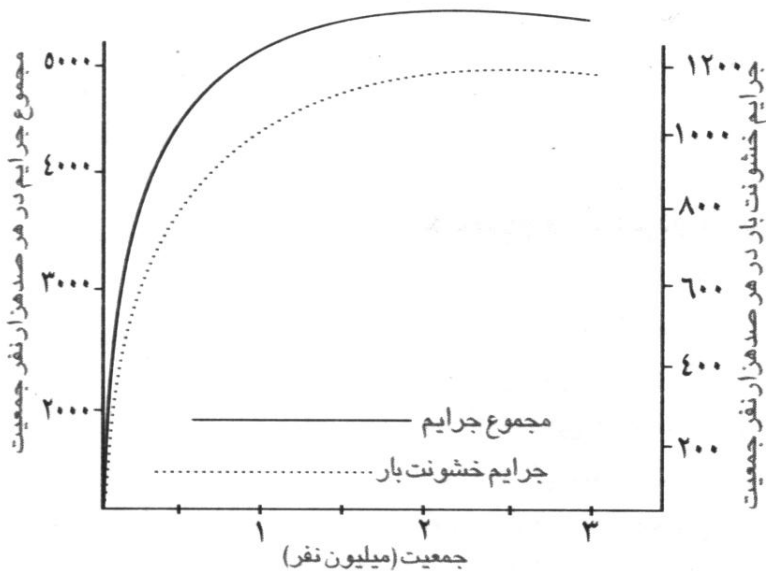
امنیت واژه‌ای عربی است از ریشه امن، و به معنی راحت و آسوده و بی‌ترس بودن است (برآبادی، ۱۳۸۱، ۶۳). امنیت، احساس ثبات در نوع حقوق و تکالیفی است که هر انسان نسبت به دیگران و محیط پیرامونش دارد و همچنین اطمینان از وجود، حفظ و اجرای آن حقوق و تکالیف. به بیان دیگر، کسی احساس امنیت می‌کند که نسبت به این موضوع آسوده‌خاطر باشد که از نظر حقوقی، چیزی که وی به‌عنوان قاعده اخلاقی نسبت به خودش شناسایی کرده است، از طرف دیگران هم معتبر شمرده می‌شود و مورد احترام قرار می‌گیرد. در نتیجه، امنیت شهری مجموعه حقوقی است که فرد انسانی به‌عنوان موجودی شهرنشین از آن بهره‌مند می‌شود.

امنیت به معنای اجرای دقیق، منظم و صحیح قوانین حقوقی و حتی اخلاقی، حاصل کارکرد ساختار عظیم اجتماعی است که از فرهنگ عمومی و سیاست‌های حکومتی تأثیر می‌پذیرد؛ اگرچه در جریان تقسیم کار اجتماعی - و به‌خصوص تقسیم

کار اداری- هر بخش از این سیستم به دستگاه مشخصی واگذار می شود (علی آبادی، ۱۳۸۱، ۵).

۲. جرم، شهرها و وقوع جرم

در جوامع مختلف، معیار شناخت جرم و بزهکاری به طرز تفکر، فرهنگ و پیشرفت و عقب ماندگی آن جامعه بستگی دارد (مافی، ۱۳۷۸، ۱۳۳). بنابراین ممکن است انجام رفتاری در یک جامعه، عادی و در جامعه دیگر، جرم محسوب شود. ولی می توان گفت که هرگونه رفتار خلاف اجتماعی و غیرقانونی که ارتکاب به آن مجازات و جریمه معینی داشته باشد، جرم نامیده می شود. در ایجاد ناهنجاری ها و جرائم اجتماعی، عوامل متعددی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، شهرنشینی، بیماری و نظایر این ها دخالت دارند (سلطانی، ۱۳۷۴، ۱۱۹). به طور کلی، می توان به رفتارهایی مانند قتل، ضرب و جرح، خودکشی، قاچاق، اعتیاد، دزدی و مسائل جنسی، جرم اطلاق کرد. (نمودار شماره یک)



نمودار شماره ۱- اندازه شهر و میزان جرایم
Source: D.J Walmsly, Urban Living, 1988, P. 140.

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام و ذکر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا مجاز می باشد

میزان جرائم در داخل شهرها متنوع است. پیشگامان مکتب اکولوژی شهری شیکاگو، همه مسائل اجتماعی - از جمله میزان جرائم - را در تفاوت‌ها و خصیصه‌های مکانی جستجو می‌کردند (شکوئی، ۱۳۷۲، ۱۰۵). نقاط گردشی و تفریحی درون شهرها و مکان‌هایی که دارای بیشترین ازدحام هستند، نسبت به نقاط آرام، جرم‌زایی بیشتری دارند. مناطق درونی شهرها که شرایط محیطی مطلوبی ندارند و برای تجمع مهاجران تازه‌وارد مناسب‌اند، به همراه زاغه‌ها و حلی‌آبادهای اطراف شهر که دارای تراکم‌های بالا و نامناسب‌اند، به‌عنوان مکان‌هایی با بیشترین میزان جرم و بزهکاری شناخته شده‌اند. جرائم خشونت‌بار اغلب در مناطق داخلی شهرها و مناطق حاشیه‌نشین شهری دیده می‌شوند. ویژگی‌های این مناطق عبارتند از: سطح درآمد پایین، تجمع نژادی، خانه‌های مخروبه، مادران کارگر، سطوح پایین آموزش و مهارت‌های حرفه‌ای، بیکاری زیاد، جمعیت بالای مردان مجرد، مسکن‌ها زیر استاندارد، میزان پایین مالکیت خانه، اشتغال چندگانه مسکن‌ها، کاربری‌های مختلط و تراکم بالای جمعیت (Walmsly, 1988: 141).

۳. زمینه‌های وقوع جرائم در شهرها

شهرنشینی مستقیماً به کجروی نمی‌انجامد بلکه زندگی شهری می‌تواند زمینه‌ساز عوامل کجروی باشد. شهرها در عین حال که بهترین خدمات اجتماعی موجود در کشورها را در خود جای داده‌اند، بسیاری از معایب اجتماعی را نیز در بطن خود می‌پروراند که قتل و جنایت و ناآرامی‌های اجتماعی از آن جمله است. وجود شرایط مختلف در شهرها از قبیل جمعیت و تراکم زیاد، وجود مهاجرانی با فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف، تعداد زیاد مردان مجرد و جوان، اختلاف طبقاتی، بیکاری شدید، مشکلات اقتصادی و درآمدی، کمبود مسکن مناسب و مانند این‌ها از جمله عوامل زمینه‌ساز جرائم شهری محسوب می‌شوند.

شهرهای بزرگ به دلایل مختلف، باعث جذب مهاجران زیادی (به‌خصوص مهاجران روستایی) می‌شوند. مهاجرت به‌تنهایی علت تامه انحراف و بزهکاری نیست،

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام و ذکر تحقیقات کاربردی پلیس به‌نگیری ناجا مجاز می‌باشد

ولی اگر این مهاجرت با شرایط و زمینه‌های مساعد دیگری که در محیط اولیه کمتر فراهم می‌شود، توأم شود، راه بزهکاری مهاجران هموار خواهد شد. مهاجرت باعث گسستن پیوندهای اجتماعی می‌شود. فقدان پیوندهای اجتماعی، نادیده گرفتن الزامات اجتماعی را در پی دارد و بنابراین مهاجران می‌توانند دست به اعمالی بزنند که قبلاً از نظر آنان رفتار ضداجتماعی تلقی می‌شد. دشواری زندگی جمعیت مهاجر اغلب جوان، بدون تخصص، بدون شغل و ناامید از آینده می‌تواند وجود خویش را از طریق اعمال خشونت‌بار به نمایش بگذارد (باستیه، ۱۳۷۷، ۱۳).

وجود رقابت در شهرها باعث می‌شود تا افراد برای رسیدن به اهداف مورد نظر خود از هر طریقی اقدام کنند و چون درآمد مشروع کافی برای تأمین زندگی پیدا نمی‌کنند، به کجروی راه می‌یابند. عدم تأمین اقتصادی و اجتماعی، مانند نداشتن مسکن و تغذیه درست و امکانات درمانی، به ضعف روابط انسانی و تجاوز و بی‌توجهی نسبت به دیگر افراد جامعه منتهی می‌شود (مافی، ۱۳۷۸، ۱۳۸). بر اساس نظریه‌های کلاسیک از خود بیگانگی، تنهایی، سازمان‌شکنی و فشارهای روانی که جامعه شهری بر شهروندان خود تحمیل می‌کند، باعث افزایش افسردگی، خودکشی، اعتیاد، پرخاشگری، انحرافات اجتماعی، انواع جرم و جنایت، بالا رفتن میزان طلاق و نظایر این‌ها در جامعه شهری می‌شود (شکوئی، ۱۳۷۴، ۵۰۱).

سبک زندگی شهری نیز شرایطی را فراهم می‌آورد تا خانه‌ها مدتی بدون سکنه بمانند و همین فرصت باعث می‌شود تا میزان سرقت و دزدی در شهرها افزایش یابد (Walmsly, 1988: 143). برگس عقیده دارد که تحرک زندگی شهری همراه با افزایشی که در تعداد و شدت محرک‌ها ایجاد می‌کند، مردم را به طرز اجتناب‌ناپذیر دچار اغتشاش و تنزل اخلاقی می‌کند (دیکنز، ۱۳۷۷، ۶۷).

محل‌های شلوغ و پرجمعیت حاشیه‌نشین که در نتیجه ایجاد خانه‌های محقر و کوچک و به دور از چشمان مأموران شهرداری ایجاد می‌شود، کانون بحران‌ها و معضلات اجتماعی هستند. فقر مادی و فرهنگی، ازدحام و شلوغی و بیکاری، قاچاق مواد مخدر و اعتیاد از جمله عواملی هستند که زمینه را برای بزهکاری جوانان و

نوجوانان فراهم می‌سازند و امنیت اجتماعی را کاهش می‌دهند. تحقیقات صورت گرفته در خصوص تأثیر مسکن، محله و شهر در ناسازگاری جوانان، این نکته را اثبات کرده است که بزهکاری جوانان و ناسازگاری آنان به‌طور کلی تابعی محلی است و آن را معمولاً می‌توان در محله‌هایی که از خانه‌های محقر و ناسالم تشکیل شده‌اند، مشاهده کرد (کامیار، ۱۳۷۹، ۳۹).

مسئله مسکن نیز در شهرها می‌تواند ناهنجاری‌هایی را به وجود آورد. عدم دسترسی به مسکن مناسب با افزایش میزان بزهکاری، طلاق و ازهم‌گسیختگی اجتماعی ارتباط زیادی دارد و عامل بازدارنده رشد و اعتلای اجتماعی، فرهنگی و روانی محسوب می‌شود (دلایل پورمحمدی، ۱۳۷۹، ۶).

۴. عوامل مؤثر در کاهش یا افزایش امنیت

باید توجه داشت که عوامل متعددی در تأمین امنیت اجتماعی مؤثر است و تأمین آن تنها از طریق پلیس (نیروی انتظامی) امکان‌پذیر نیست. عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و سیاسی در تأمین امنیت تأثیرگذار هستند.

۴-۱. عوامل اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی

امنیت در شهرها معلول شرایط اجتماعی - اقتصادی آنها است. در شهرها تنوع قومی، فرهنگی و اقتصادی زیاد است و نمی‌توان تمام مشکلات امنیتی را به خود شهر و کالبد فیزیکی آن نسبت داد. یعنی اگر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه شهری مناسب باشد، ضریب امنیتی آن نیز بالا خواهد رفت. به‌عنوان نمونه، طبق بررسی‌هایی که درباره مکان‌های جرم‌زا در شهرها به عمل آمده است، مشخص شده که رابطه مستقیمی بین شرایط اجتماعی و اقتصادی و محله‌های جرم‌خیز وجود دارد. در واقع در محله‌هایی که متراکم یا حاشیه‌نشین بودند، جرم و جنایت بیشتر از دیگر محله‌ها اتفاق می‌افتاد و بیشتر زندانیان نیز به همین محله‌ها تعلق دارند. حتی نوع جرم

و جنایت در این محله‌ها با محله‌های مرفه‌نشین متفاوت است و به اصطلاح جرم‌های کثیف در این گونه محله‌ها بیشتر اتفاق می‌افتد.

تعارضات هویتی از عوامل مؤثر در کاهش امنیت و ارتکاب جرم محسوب می‌شود. تنها فقر، عامل ارتکاب جرم به حساب نمی‌آید، بلکه تبعیض بین افراد از عوامل مؤثر در کاهش امنیت محسوب می‌شود. تعارض هویتی و احساس تبعیض از عوامل پرخاش مردم به نظم موجود است. وقتی فرد احساس بی‌هویتی کند یا هویت خودش را در تعارض با دیگری ببیند، یکی از واکنش‌های احتمالی او پرخاشگری نسبت به وضع موجود است.

همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد محله‌های شلوغ و پرجمعیت در نتیجه ایجاد خانه‌های محقر و کوچک و به‌دور از چشمان شهرداری می‌توانند کانون بحران‌ها و معضلات اجتماعی شوند. فقر مادی و فرهنگی، ازدحام و شلوغی و بیکاری، قاچاق مواد مخدر و اعتیاد و همچنین فقدان دسترسی به مسکن مناسب از جمله عوامل زمینه‌ساز بزهکاری جوانان و نوجوانان محسوب می‌شوند (کامیار، ۱۳۷۹، ۳۹).

وجود تراکم بالای مسکن در زاغه‌های حواشی شهر، جرائم خاصی را موجب می‌شود. بالا بودن هزینه‌های ساخت مسکن در شهرها و عدم توانایی عده‌ای برای تأمین آن به‌طور جنبی، موجب ایجاد هزینه‌های اجتماعی نظیر بیماری، جنایت، ناامنی و... در شهرها می‌شود (همان، ۱۵). ارتکاب جرم در بین مستأجران و مالکان نیز متفاوت است؛ تا آن‌جا که بالدوین و بوتومز اظهار داشته‌اند که اجاره‌نشین‌ها تا اندازه‌ای زیادتر نسبت به مالکان خانه، مستعد جرم هستند (Walmsly, 1988: 143).

تجمع و تراکم جمعیت باعث کاهش امنیت اجتماعی می‌شود. افزایش جمعیت در شهرها باعث می‌شود تا تشکیلات و سازمان‌های دولتی مانند نیروی انتظامی، نتوانند کنترل کاملی بر اوضاع داشته باشند و همین عامل باعث می‌شود تا کنترل اجتماعی ضعیف شود و بی‌نظمی و قانون‌شکنی افزایش یابد. ورود مهاجران مختلف به شهرها، آن‌ها را از یکپارچگی طبیعی دور می‌کند. مهاجرت، پیوندهای اجتماعی را تضعیف

می‌کند. غربت، فشار اقتصادی و ناکامی‌های زندگی، موجب افزایش ارزش‌های سابق می‌شوند و زمینه انجام جرم را فراهم می‌سازند (دهقان، ۱۳۸۱، ۲۷).

۴-۲. عوامل کالبدی

یکی دیگر از عوامل مؤثر در ایجاد امنیت در شهرها، عوامل کالبدی است. یعنی نحوه طراحی شهرها، در افزایش یا کاهش امنیت، تأثیر زیادی دارد.

۴-۲-۱. طراحی شطرنجی شهرها یکی از عوامل تشدید وقوع جرم محسوب می‌شود و میزان امنیت را کاهش می‌دهد. این نوع طراحی، باعث ایجاد فضاهای فرار در شهرها می‌شود. در ساختار جدید شهرنشینی و شیوه جدید اسکان و آپارتمان‌نشینی که در آن افراد نسبت به هم غریبه هستند و همدیگر را نمی‌شناسند، به‌همین دلیل مجرم به راحتی می‌تواند وارد این بافت‌های شطرنجی شود، جرم خود را انجام دهد و سپس از هر نقطه‌ای که دلش خواست خارج شود. از نظر ترافیکی هم، شبکه شطرنجی مشکل‌زاست و امنیت شهروندان را با خطر مواجه می‌سازد (علی‌آبادی، ۱۳۸۱، ۹).

۴-۲-۲. خلوتی محیط از عوامل دیگر در کاهش امنیت و ایجاد موقعیت‌های جرم‌زا محسوب می‌شود. در واقع، هیچ مجرمی نمی‌تواند در محیطی که در معرض دید دیگران است به ارتکاب جرم بپردازد. برای جلوگیری از جرم‌زایی در این محیط‌ها می‌توان با تحرک دادن به آن‌ها، امکان تردد شهروندان را در آن‌ها فراهم کرد. بدین ترتیب خلوتی محیط از بین می‌رود و از شدت جرم‌زایی کاسته می‌شود. به‌عنوان مثال، در کوچه‌های خلوت، امکان کودک‌ربایی زیاد است ولی از طرفی هم کودکان نیاز به مکانی برای بازی دارند و به بازی در کوچه‌ها می‌پردازند. می‌توان پارک‌هایی را در سطح محله طراحی کرد که علاوه بر دارا بودن محیط مناسب برای بازی کودکان، باعث جذب دیگر افراد هم بشوند، تا امکان وقوع جرم کاهش یابد.

۴-۲-۳. عامل دیگر ایجاد موقعیت‌های جرم‌زا در شهرها، محل‌های تاریک هستند. مجرم معمولاً در جایی به ارتکاب جرم می‌پردازد که تاریک و دور از نگاه

دیگران باشد. وقتی محیط، روشن و در معرض دید دیگران باشد، مجرم جرأت ارتکاب جرم را در این مکان پیدا نمی‌کند و در نتیجه از جرم‌زایی کاسته می‌شود.

۴-۲-۴. عامل پیچیده دیگر، بی‌نظمی محیطی است. بدین معنی که در محیط کالبدی شهر، روابط قاعده‌مندی وجود نداشته باشد. به‌عنوان مثال، وقتی در مکانی ازدحام جمعیت بلا تکلیف وجود دارد - مانند میدان‌هایی که آدم‌های مختلف و فراوانی، منتظر ایستاده‌اند - احتمال وقوع جرم زیاد است. بی‌نظمی محیطی ممکن است علاوه بر عوامل اجتماعی، ناشی از بی‌ثباتی مقررات شهرسازی هم باشد. این بی‌نظمی، فضای شهری را بلا تکلیف می‌گذارد. وقتی فضای شهر، بی‌ثبات و بلا تکلیف باشد، عملاً الگوی ساخت‌وساز و الگوی معابر بی‌نظم می‌شود، نحوه خدمات‌رسانی نامناسب می‌شود و... (همان، ۸).

۴-۲-۵. یکی دیگر از عوامل مؤثر در کاهش امنیت و افزایش جرم و جنایت در شهرها، وجود فضاهای بدون دفاع شهری است. عوامل متعددی در ایجاد این فضاها مؤثر است که مهم‌ترین این عوامل عبارتند از:

الف- عدم سازگاری بین فرم، کارکرد و معنی

مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل شکل‌گیری فضاهای بدون دفاع شهری، عدم سازگاری بین فرم، کارکرد و معنی است. با توجه به این اصل که هر فعالیت باید در عرصه‌ای که دارای ویژگی‌های کالبدی و فضایی مشخص و متناسب با آن فعالیت است، انجام پذیرد، می‌توان به رابطه بین فرم، کارکرد و معنی پی برد. این رابطه باید به‌گونه‌ای باشد که کالبد فیزیکی (فرم)، توانایی جوابگویی به کارکرد و معنی را به‌صورت توأم دارا باشد.

ب- فضاهای بدون کارکرد یا دارای کارکرد متناوب

فضاهای بدون کارکرد در شهرهای بزرگ، به‌دلیل بورس‌بازی اراضی شهری و مطرح شدن زمین به‌عنوان سرمایه‌ای قابل اعتماد، بسیار گسترده است. ساختمان‌های

متروک و پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام که بنا به دلایلی ساخت آن‌ها متوقف شده و همچنین ساختمان‌های خالی از جمله فضاهای بدون کارکرد محسوب می‌شوند و زمینه را برای بروز جرائم شهری فراهم می‌آورند. یکی دیگر از انواع فضاهای بدون دفاع در این رده، فضاهایی هستند که دارای کارکرد متناوب‌اند و در مقاطعی از روز یا فصل و یا سال تبدیل به فضاهای مرده می‌شوند.

ج- نبود رؤیت بصری

فضاهای گم، همان‌گونه که از نامشان برمی‌آید، فضاهایی هستند که بنا بر دلایل کالبدی، خارج از دید محسوب می‌شوند. عدم امکان رؤیت بصری به‌علت نبود روشنایی و آشکار نشدن فرم به‌علت تاریکی، اولین گام به‌سوی ایجاد فضاهای بدون دفاع است (سفیری، ۱۳۸۱، ۴۲).

۴-۲-۶. یکی دیگر از عوامل اساسی کاهش امنیت و افزایش جرم، محله‌های قدیمی و فرسوده‌اند که به‌دلیل همین فرسودگی و همچنین فقدان بهداشت، اسکان مهاجر، تراکم و... به محله‌های جرم‌خیز تبدیل شده‌اند. در دیگر کشورها از طریق فرآیند اصالت‌بخشی و برگرداندن هویت قبلی این بافت‌ها به آن‌ها، در امر احیا و بازسازی این محله‌ها تلاش می‌شود. برخلاف ایده‌ای که معتقد است برای برطرف کردن مشکل این بافت‌ها باید آن‌ها را تخریب کرد، با سرمایه‌گذاری عمومی در این بافت‌های مسئله‌دار شهری می‌توان از مشکلات و میزان جرم و جنایت در آن‌ها کاست (علی‌آبادی، ۱۳۸۱، ۹). تخریب این بافت‌ها، نه‌تنها باعث پراکنده شدن جرم و جنایت در سطح شهر می‌شود، بلکه موجب تخریب شبکه‌های اجتماعی موجود می‌شود، ذخیره مسکن موجود را کاهش می‌دهد، زیرساخت‌های این منطقه را تخریب می‌کند و زاغه‌ها و مکان‌های آلوده‌نشین را در شهر ایجاد می‌کند (Richard, 2001: 6).

عوامل دیگری نیز در کاهش امنیت در شهرها مؤثر است؛ از جمله: وجود کاربری‌های مزاحم در اراضی شهری (مانند وجود کارگاه‌ها و گاراژهای متعدد در داخل مناطق مسکونی شهر)، تداخل کاربری‌های مسکونی و تجاری و صنعتی و... (که موجب

رفت و آمد افراد متعددی شده که شناخت کاملی از هم ندارند و زمینه مساعدی را برای مخفی شدن مجرمان و ارتکاب جرم به وجود می‌آورد، نبود روشنایی در شب، فضاهای داری پوشش گیاهی انبوه، زیرگذرهای خلوت و فرورفتگی‌ها، زیرپله‌های شهری، فضاهای اطراف شهرهای بزرگ، پله‌های اضطراری ساختمان‌های بزرگ، متروها، گوشه‌های پنهان و خارج از دید عموم یا فضاهای کور و... با طراحی‌های مناسب کالبدی و فیزیکی، می‌توان این مسائل را حل کرد و امنیت شهری را افزایش داد.

۳-۴. عوامل سیاسی

یکی دیگر از عوامل مؤثر در کاهش یا افزایش امنیت، عوامل سیاسی است. سیاست‌های دولتی در تمرکز سرمایه‌ها و منابع در چند شهر یا یک شهر برتر (یا پایتخت)، باعث عقب‌ماندگی یا توسعه‌نیافتگی سایر شهرها و روستاها شده و مقدمات مهاجرت‌های روستا - شهری را فراهم می‌آورد. مهاجرت‌های روستا - شهری نیز به سهم خود، مسائل شهری - از جمله حاشیه‌نشینی و... - را فراهم می‌کند و در نتیجه میزان جرائم شهری افزایش و امنیت شهری کاهش پیدا می‌کند.

در کشورهای پیشرفته صنعتی، توزیع عادلانه امکانات و سرمایه‌ها در شهرهای مختلف، باعث کاهش مهاجرت‌های روستا - شهری شده و میزان جرم و جنایت در سطح بسیار پایین‌تری قرار گرفته است. در حالی که در کشورمان، قبل از انقلاب اسلامی، در برنامه عمرانی اول - به‌ویژه در برنامه چهارم عمرانی در دهه ۴۰ - اجرای سیاست قطب رشد (سیاست تمرکزگرایی)، باعث بی‌نصیب ماندن اکثر شهرها از امکانات و سرمایه‌های عمومی و خصوصی شد و مهاجرت‌های زیادی را به مرکز کشور باعث شد.

تدوین راهبردها

همان‌گونه که گفته شد، عوامل متعددی باعث کاهش امنیت اجتماعی در شهرها

می‌شود.

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا مجاز می‌باشد

سؤالی که در این جا مطرح است این است که از چه طریقی می توان امنیت شهری را از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و سیاسی تأمین کرد؟ در جواب می توان به راهکارهای زیر اشاره کرد:

۱. بهسازی کالبدی و فیزیکی مناطق فقیرنشین و حاشیه نشین شهری؛
۲. توزیع فضایی عادلانه درآمد، ثروت و قدرت در سطح شهر برای تمامی شهرنشینان؛
۳. استفاده از مشارکت مردمی در تهیه و اجرای طرح های شهری جهت جلوگیری از ایجاد مسائل شهری؛
۴. توزیع متناسب کاربری های مختلف شهری (فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و تفریحی) و دسترسی اقشار مختلف شهری به این کاربری ها؛
۵. شناسایی فضاهای جرم خیز و انجام اقدامات لازم برای مبارزه با این فضاها و جلوگیری از ایجاد آن ها؛
۶. رعایت استانداردهای زیست محیطی و جلوگیری از ساخت وسازها در اراضی کشاورزی حومه شهری؛
۷. جلوگیری از بورس بازی زمین و مسکن و ایجاد شرایطی جهت دستیابی حاشیه نشینان به مسکن مناسب؛
۸. برآوردن نیازهای اساسی از قبیل غذا، آب، سرپناه، درآمد، ایمنی و کار برای تمام مردم شهر؛
۹. افزایش سطح آگاهی و فرهنگی ساکنان شهر (به خصوص مناطق فقیرنشین شهری)؛
۱۰. ارتقای کیفیت و امکان دسترسی آسان به وسایل حمل و نقل عمومی در سطح شهر و افزایش ظرفیت های موجود، به منظور برآوردن سریع و آسان نیاز شهروندان؛
۱۱. بهینه سازی و سامان دهی بافت های قدیمی و فرسوده شهری؛

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام دفتر تحقیقات کاربردی پلیس بهنگیری ناجا مجاز می باشد

۱۲. توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و خدمات‌رسانی شهری و فعالیت در جهت اشتغال‌زایی و افزایش امنیت اقتصادی شهری؛

۱۳. داشتن حداقل سطح مناسب بهداشت عمومی و خدمات درمانی، به‌گونه‌ای که این خدمات در دسترس همگان قرار گیرد؛

۱۴. حل مسائل مربوط به ترافیک شهری و آلودگی‌ها (آلودگی‌های صوتی، بصری و آلودگی هوا) و توجه ویژه به توسعه پایدار شهری؛

۱۵. جلوگیری از ایجاد فضاهای بدون دفاع شهری از طریق اقدامات زیر:

اقدام کالبدی: تغییر در فرم فضا، بالا بردن میزان روشنایی و قابلیت دید فضا، تغییر در مکان قرارگیری مبلمان‌های شهری که محل تجمع شهروندان هستند (مانند باجه‌های تلفن و روزنامه‌فروشی)، حذف فضاهای فرورفته یا L و U شکل از طریق محصور کردن آن‌ها و جلوگیری از استفاده افرادی مانند کارتن‌خواب‌ها از آن‌ها، استفاده مطلوب از فضاهای خالی زیر پایه‌های پل‌های هوایی برای پر کردن فضا، هماهنگ کردن وسعت و حجم فضا با میزان و نوع عملکرد جاری در آن و مانند این‌ها.

اقدام قانونی: برچیدن بساط دستفروشان و محل تجمع آن‌ها، به‌خصوص در حواشی بازارهای بزرگ، کاستن از میزان تمرکز جمعیت از طریق واداشتن صاحبان کالدها به هماهنگ کردن آن با عملکرد و ...

اقدام عملکردی: فعال کردن ساختمان‌های متروکه، تغییر کاربری ساختمان‌های ره‌اشده یا محصور کردن‌شان و ...

فهرست منابع

- امانی، مهدی و دیگران (۱۳۵۴)، لغت‌نامه جمعیت‌شناسی، تهران، دانشگاه تهران.
- باستیه، ژان؛ برناردز (۱۳۷۷)، شهر، ترجمه دکتر علی اشرفی، تهران، دانشگاه هنر.
- برآبادی، محمود (۱۳۸۱)، شهر در امن و امان است، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۴۱.
- پرهیزکار، اکبر؛ اسماعیل‌زاده، حسن (۱۳۸۲)، رویکرد سیستمی در جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، مجله رشدآموز جغرافیا، در دست چاپ.
- جوان، جعفر (۱۳۸۰)، جغرافیای جمعیت ایران، جهاد دانشگاهی مشهد.
- دانش، تاج‌زمان (۱۳۶۶)، مجرم کیست؟، تهران، مؤسسه کیهان.
- دلال پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۷۹)، برنامه‌ریزی مسکن، تهران، سمت.
- دهقان، مهدی (۱۳۸۱)، شهرنشینی و روند افزایش جرائم، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۴۱.
- دیکنز، پتر (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی شهری، ترجمه دکتر حسین بهروان، مشهد، آستان قدس رضوی.
- زاهد زاهدانی، سیدسعید (۱۳۶۹)، حاشیه‌نشینی، دانشگاه شیراز.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، مهاجرت، تهران، سمت.
- سفیری، سعید (۱۳۸۱)، شهر در گذر جرائم: نقش‌آفرینی شوراها در تأمین امنیت شهری، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۴۱.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۴)، اثرات جمعیت بر ناهنجاری‌های اجتماعی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۹.
- شکوئی، حسین (۱۳۷۲)، جغرافیای اجتماعی شهرها، تهران، جهاد دانشگاهی (ماجد).
- شکوئی، حسین (۱۳۷۴)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، سمت.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۱)، مهاجرت داخلی و مسئله مدیریت شهری با تأکید بر شرایط ایران، فصلنامه مدیریت شهری، سال سوم.
- عسگری طباطبائی، اسدالله (۱۳۸۱)، بررسی اجمالی از پدیده بافت‌های پیرامونی و یا حاشیه‌نشینی در ایران، فصلنامه هفت‌شهر، سال سوم، شماره هشتم.

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام و ذکر تحقیقات کاربردی پلیس به‌نگیری ناجا مجاز می‌باشد

- علی آبادی، جواد (۱۳۸۱)، نقش فضاهای شهری در تأمین امنیت اجتماعی، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۴۱.
- کامیار، غلامرضا (۱۳۷۹)، حقوق شهرسازی، تهران، مجد.
- مافی، عزت‌الله (۱۳۷۸)، جغرافیای تطبیقی پاتولوژی شهری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۲ و ۵۳.
- Asian Development Bank (1999), *Handbook On Poverty And Social Analysis: Section I: Overview Of Poverty And Social Analysis In Adb Operation: Issues In Theory And Practice*. Manila.
- Clinard, Marshal. B. (1966), *Slum And Community Development*. New York, The Free Press.
- Greene, Margarita (2000), *Urban Safety In Residential Areas*, Global Spatial Impact And Local Self- Organizing Processes, London.
- Johnston, R. J. (2001), And Et Al. *The Dictionary Of Human Geography*, Oxford Blackwell.
- Perssat, Rollnd (1985), *The Dictionary Of Demography*, Blackwell Reference, New York.
- *Report From Seminar Arranged By The Swedish Institute Of International Affairs In Cooperation With The Swedish Johannesburg Secretariat*. Linking Security Nd Sustainable Development. 15 March 2002.
- Richard, M. (2001) *Urban Poverty Reduction: Slum Prevention And Urban Upgrading*. World Bank.
- Walmsly, D. J. (1988), *Urban Living*. Longman Scientific & Tecnichal, New York.